

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نمونه سوالات تالیفی و نهایی درس

هفتم فلسفه دوازدهم

(عقل در فلسفه قسمت اول)

تهیه و تنظیم

سید احمد صمدانی

استان آذربایجان شرقی

- ۱- مفهوم "فلسفه" با "عقل" و "عقلانیت" گره خورده است.
- ۲- معمولا از عرفا به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد می کنند.
- ۳- مفهوم "دین" ما رابه یاد "ایمان" می اندازد و مفهوم، "عرفان" "شهود و عشق" تداعی می کند.
- ۴- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را استدلال می دانند.
- ۵- فیلسوفان معتقدند که منظور ارسطو از ناطق، "عاقل" است.
- ۶- تاریخ فلسفه با تاریخ عقل پیوندی ناگسستنی دارد و همان تحولات معنا و محدوده عقل، با تحولات عرفانی گره خورده است.
- ۷- عقل توانمندی ای است که به کمک آن سوال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.
- ۸- انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست.
- ۹- انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست، و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است.
- ۱۰- انسان ابزار عقل می تواند بداند کدام دین و مکتب سعادت بخش و کدام دین و مکتب گمراه کننده می باشد.
- ۱۱- از نظر فیلسوفان ابزار عقل یک توانمندی فوق العاده است.
- ۱۲- ابزار عقل در ابتدای کودکی به صورت یک استعداد است که باید با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت برسد.
- ۱۳- با ابزار عقل، کودک توانایی دانش و علم را به دست آورد.
- ۱۴- اگر تربیت انسان به خوبی صورت نگیرد، عقل به توانایی های لازم نمی رسد.
- ۱۵- اگر تربیت عقلانی به خوبی صورت نگیرد، انسان نمی تواند به خوبی حق را از باطل و درست را از نادرست تشخیص دهد.
- ۱۶- همه انسان ها، با تربیت و تمرین به درجات خوبی از رشد و تربیت دست یابند.
- ۱۷- توانایی افراد در تعقل و استدلال یکسان است.
- ۱۸- برخی از انسانها قدرت استدلال قوی تری دارند و برخی، قدرت استدلال آنها ضعیف تر است.
- ۱۹- اگر انسان بخواهد سخن درست و حق را از سخن نادرست و باطل تشخیص دهد، در مرتبه اول باید عقل خود را تقویت کند و از آن بهره ببرد.

- ۲۰- اگر انسان بخواهد کار خوب و زیبارا از کار بد و زشت جدا کند، راه درست را از راه نادرست تمیز دهد، در مرتبه اول باید عقل خود را تقویت کند و از آن بهره ببرد.
- ۲۱- اگر انسان بخواهد در رشته های علمی مانند ریاضیات، فیزیک و فلسفه پیش برود، در مرتبه اول باید دانش علمی خود را تقویت کند و از آن بهره ببرد.
- ۲۲- اگر انسان بخواهد دین و آیین حق را از دین و آیین باطل جدا سازد، دین و آیین خود را به خوبی بشناسد در مرتبه اول باید عقل خود را تقویت کند و از آن بهره ببرد.
- ۲۳- اگر انسان بخواهد در زندگی به درستی تصمیم گیری کند، در مرتبه اول باید عقل خود را تقویت کند و از آن بهره ببرد.
- ۲۴- تجربه انسان است که می گوید بهتر است با چه کسانی مشورت کند، چه کتابی را مطالعه نماید و برای خواندن چه کتابی وقت بگذارد.
- ۲۵- از آنجا که فلسفه با استدلال های عقلی محض سروکار دارد، استفاده عقل در این دانش از سایر دانش ها بیشتر است.
- ۲۶- معمولاً فلسفه را با عقل و استدلال عقلی همراه می دانند.
- ۲۷- عقل، در افراد مختلف، یکسان است. برخی از انسان ها قدرت هوش بیشتر و بعضی قدرت هوش کمتری دارند.
- ۲۸- کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند.
- ۲۹- در موارد بسیاری از خدا به عنوان عقل کل یاد شده است.
- ۳۰- موجودات مجرد از ماده در افعال خود به ابزار مادی نیاز دارند.
- ۳۱- بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم، دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد. یکی از این عوالم، عالم عقل است.
- ۳۲- برخی از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد، یکی از این عوالم، عالم عقل است.
- ۳۳- همه فیلسوفان معتقدند بسیاری از فرشتگان که در کتب آسمانی، از جمله قرآن کریم، ذکر شده، همان موجودات عقلانی هستند که در عالم عقل به سر می برند.
- ۳۴- موجودات عقلانی، موجودات مجرد از ماده و جسم اند که در عالم شهود به سر می برند.
- ۳۵- فیلسوفان معتقدند که علم موجودات عقلانی، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم است.

- ۳۶- عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "شهود" می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.
- ۳۷- فیلسوفان الهی معتقدند که روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به مرتبه ای از عقل را دارد.
- ۳۸- فیلسوفان الهی معتقدند روح هر انسانی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است.
- ۳۹- فیلسوفان الهی معتقدند روح هر انسانی همچون نفوس، بسیاری از حقایق را شهود کند.
- ۴۰- فیلسوفان یونان باستان به هر دو کاربرد عقل توجه داشته و درباره آنها سخن گفته اند.
- ۴۱- هراکلیتوس، از فیلسوفان پیش از سقراط، از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می گوید.
- ۴۲- از نظر هراکلیتوس، «کلمه» و «سخن» ظهور و پرتو عقل به عنوان قوه استدلال و تفکر می باشد.
- ۴۳- از نظر هراکلیتوس، سخن و کلمه بیانگر افکار و اندیشه های انسان است.
- ۴۴- از نظر دموکریتوس، آنچه را که انسان در ذهن دارد، با کلام ظاهر می کند و به دیگران می رساند.
- ۴۵- از نظر هراکلیتوس، جهان و اشیا نیز ظهور وجود و آن حقیقت متعالی و برتر هستند.
- ۴۶- عقل نزد دموکریتوس، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیا ظهور او هستند، هم کلمات و سخن.
- ۴۷- از نظر هراکلیتوس اشیا عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.
- ۴۸- هراکلیتوس، معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود.
- ۴۹- عقل نزد پارمیندس، همان حقیقت و وجود برتری است که جهان و اشیا ظهور او هستند.
- ۵۰- ارسطو معتقد است که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود.
- ۵۱- ارسطو معتقد است دانش بشری نیز دو قسم عقل نظری و عقل عملی تقسیم می گردد.
- ۵۲- این که انسان "نباید غیبت کند" و "ظلم کند" مربوط به عقل نظری ارسطو است.
- ۵۳- افلاطون استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.
- ۵۴- ارسطو انسان را با مفهوم "حیوان ناطق" تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود.
- ۵۵- ارسطو عقل را ذاتی انسان می دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از استدلال عرضه کرد.

- ۵۶- عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تا کنون، تحولات و تطوراتی را از سرگذرانده که عمدتاً مربوط به حدود توانایی های عقل است.
- ۵۷- در ابتدای رنسانس تحولات اجتماعی و فکری همیشه در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد.
- ۵۸- در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، دین یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد
- ۵۹- در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن ۹ تا ۱۳) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند.
- ۶۰- همه بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند
- ۶۱- برخی از بزرگان کلیسا می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.
- ۶۲- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرنهای ۱۱ تا ۱۳، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتابهای ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند.
- ۶۳- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، از آنجا که توجه به کتب فیلسوفان مسلمان، بامبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری داشت، منجر به حاکمیت دین در مقابل عقل شد.
- ۶۴- به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.
- ۶۵- در همان ابتدای توجه به عقل در اروپا، اختلافی میان فلاسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد. به گونه ای که فیلسوفان اروپا به دو دسته "عقل گرا" و "تجربه گرا" تقسیم شدند.
- ۶۶- "فرانسیس بیکن" روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشری دانست.
- ۶۷- "فرانسیس بیکن" از فیلسوفان خواست که بیش از گذشته بر تجربه تکیه کنند.
- ۶۸- "فرانسیس بیکن" از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ماساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق شهود درونی به دست می آید تکیه کنند.
- ۶۹- دیوید هیوم، فیلسوف قرن ۱۸ انگلستان، تجربه را تنها راه رسیدن انسان به دانش و معرفت دانست و کاملاً از عقل گرایان جدا شد.
- ۷۰- دکارت به برخی توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.

- ۷۱- دکارت معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند.
- ۷۲- دکارت معتقد بود عقل راصرفا همان دستگاه تفکرواستدلال به حساب می آورد که می تواند بازار شناخت انسان قرار بگیرد.
- ۷۳- دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان ودر انسان، عقیده داشت.
- ۷۴- دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه فلسفی منظم می دانست.
- ۷۵- اوگوست کنت معتقد است که فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه میدهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر برواقعیت نیست.
- ۷۶- به نظر اوگوست کنت دستگاهی فلسفی ارائه شده فیلسوفان از جهان، حاصل تأملات روحی وروانی آنان است.
- ۷۷- از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً نگاه که باروش تجربی وحسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد.
- ۷۸- از نظر اوگوست کنت فقط حس از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.
- ۷۹- دیدگاه اوگوست کنت به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت ودر مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل ودین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت.
- ۸۰- دیدگاه اوگوست کنت به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت.
- ۸۱- با رواج دیدگاه اوگوست کنت، اثبات اموری مانند ماوراء الطبیعه وحقیقت روحی ومعنوی انسان وجهان ممکن شمرده شد.
- ۸۲- امروزه با گسترش دیدگاه اوگوست کنت، عقل در اروپا، به عقل ریاضی تقلیل پیدا کرده وردّ اثبات منطقی و عقلی به حوزه ریاضیات محدود شده است.
- ۸۳- فلاسفه الهی، توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی را پرتوی از عقل مجرد می دانند. (نهایی دی ماه ۹۸)
- ۸۴- هراکلیتوس معتقد به حقیقتی به نام لوگوس بود که به معنای عقل ونطق می باشد. (نهایی دی ماه ۹۸)
- ۸۵- در اندیشه حکمای ایران قدیم، مزدا همان خداوند است. (نهایی دی ماه ۹۹)
- ۸۶- از نظر هراکلیتوس، اشیای عالم همان کلمات عقل هستند که حقیقت برتر است. (نهایی دی ماه ۹۹)
- ۸۷- یکی از کاربردهای عقل در فلسفه، همان توانمندی است که به کمک آن استدلال می کنیم. (نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰)

@جوابها: ۱-ص ۲-غ ۳-ص ۴-غ ۵-ص ۶-غ ۷-غ ۸-ص ۹-ص ۱۰-ص ۱۱-ص ۱۲-ص ۱۳-غ ۱۴-غ ۱۵-ص ۱۶-غ ۱۷-غ ۱۸-ص ۱۹-ص
 ۲۰-ص ۲۱-ص ۲۲-ص ۲۳-ص ۲۴-غ ۲۵-ص ۲۶-ص ۲۷-غ ۲۸-ص ۲۹-غ ۳۰-غ ۳۱-ص ۳۲-غ ۳۳-غ ۳۴-غ ۳۵-غ ۳۶-ص ۳۷-ص
 ۳۸-ص ۳۹-غ ۴۰-ص ۴۱-ص ۴۲-غ ۴۳-ص ۴۴-غ ۴۵-ص ۴۶-غ ۴۷-ص ۴۸-غ ۴۹-غ ۵۰-ص ۵۱-غ ۵۲-غ ۵۳-غ ۵۴-ص ۵۵-غ
 ۵۶-ص ۵۷-غ ۵۸-غ ۵۹-غ ۶۰-غ ۶۱-ص ۶۲-ص ۶۳-غ ۶۴-ص ۶۵-ص ۶۶-ص ۶۷-ص ۶۸-غ ۶۹-ص ۷۰-غ ۷۱-ص ۷۲-ص ۷۳-ص
 ۷۴-غ ۷۵-ص ۷۶-غ ۷۷-ص ۷۸-غ ۷۹-ص ۸۰-ص ۸۱-غ ۸۲-غ ۸۳-ص ۸۴-ص ۸۵-ص ۸۶-ص ۸۷-ص

@جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

- ۸۸-عقل توانمندی ای است که به کمک آن می کنیم و از این طریق به و..... دست می یابیم.
- ۸۹-انسان با می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد.
- ۹۰- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقل در کودک به صورت یک..... است؛ با تربیت و تمرین به می رسد و تقویت می شود
- ۹۱- کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید..... نیستند.
- ۹۲- فیلسوفان الهی معتقدند بسیاری از فرشتگان که در کتابهای آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است،..... اند که فیلسوفان با..... وجود آنها را اثبات می کنند.
- ۹۳- فیلسوفان با دلیل و برهان وجود..... را اثبات می کنند
- ۹۴- فیلسوفان معتقدند که علم از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست.
- ۹۵- عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "....." می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.
- ۹۶- فیلسوفان الهی معتقدند روح هر انسانی همچون، بسیاری از حقایق را شهود کند.
- ۹۷- در مواردی از خدا به عنوان "....." یاد شده است.
- ۹۸- به نظرمی رسد که حکیمان ایران باستان معتقدند خرد و عقل که آفریده..... است، وجودی..... است که خرد و عقل انسان پرتو و مظهر اوست.
- ۹۹- در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از حقیقتی به نام "....." سخن می گوید که هم به معنای "....." است و هم "....."
- ۱۰۰- هراکلیتوس به هردو معنای عقل توجه داشته است و "....." و "....." نزد او ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند.
- ۱۰۱- از نظر هراکلیتوس..... و..... ظهور و پرتو عقل متعالی و برتر محسوب می شود.
- ۱۰۲- ارسطو به عقل به عنوان قوه..... انسان، توجه ویژه ای داشت.
- ۱۰۳- ارسطو معتقد است که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به عقل..... و عقل..... تقسیم می شود
- ۱۰۴- ارسطو انواع استدلال ها را در بخش..... آثار خود تدوین کرد.
- ۱۰۵- ارسطو..... را از..... محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.
- ۱۰۶- ارسطو انسان را با مفهوم "....." تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود.
- ۱۰۷- ارسطو عقل را..... انسان می دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از..... عرضه کرد.
- ۱۰۸- عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از..... تاکنون، تحولات و تطوراتی را از سرگذرانده که عمدتاً مربوط به حدود..... است.

- ۱۰۹- در ابتدای تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسای روم می خورد جایگاه ممتازی پیدا کرد.
- ۱۱۰- برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند.
- ۱۱۱- برخی از بزرگان کلیسای گفتند که از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.
- ۱۱۲- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به و مسائل دینی روی آوردند.
- ۱۱۳- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، از آنجا که توجه به کتب فیلسوفان مسلمان، بامبانی اولیه سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد.
- ۱۱۴- به تدریج، در دوره عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.
- ۱۱۵- "فرانسیس بیکن" رابترین روش برای پیشرفت زندگی بشری دانست.

۱۰۸

- ۱۱۶- فرانسیس بیکن از فیلسوفان خواست که از بتهایی که فلاسفه قدیم برای ماساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق به دست می آید تکیه کنند.
- ۱۱۷- دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های، مانند داشتن بدبیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.
- ۱۱۸- دکارت معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با اثبات کند.
- ۱۱۹- دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه می دانست.
- ۱۲۰- اوگوست کنت در قرن نوزدهم با تأثیرپذیری از دیدگاه کانت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را خواند.
- ۱۲۱- به نظر دستگاه فلسفی ارائه شده فیلسوفان از جهان، بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.
- ۱۲۲- از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که باروش تجربی وحسی وارد عمل میشود، به واقعیت دست مییابد و به "....." می رسد.
- ۱۲۳- از نظر اوگوست کنت فقط عقل از طریق می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.
- ۱۲۴- دیدگاه به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت.
- ۱۲۵- فیلسوفان الهی معتقدند که عقول (یافرشتگان) حقایق اشیا را از طریق درک می کنند. (نهایی خرداد ماه ۹۹)
- ۱۲۶- از نظر هر اقلیتوس، "....."، هم به معنای عقل به عنوان حقیقتی متعالی و برتر است و هم به معنای نطق و سخن. (نهایی خرداد ماه ۱۴۰۰)

@ جواب ها: ۸۸- (استدلال/دانشها/حقایقی) ۸۹- (عقل) ۹۰- (استعداد/فعلیت) ۹۱- (زمان ومكان) ۹۲- (موجودات عقلانی/دلیل وبرهان) ۹۳-

(موجودات عقلانی) ۹۴- (موجودات عقلانی) ۹۵- (شهود) ۹۶- (عقول) ۹۷- (عقل کل) ۹۸- (آفریننده/عقلانی) ۹۹- (لوگوس/عقل/نطق) ۱۰۰-

(کلمه/سخن) ۱۰۱- (کلمه/سخن) ۱۰۲- (استدلال) ۱۰۳- (نظری/عملی) ۱۰۴- (منطق) ۱۰۵- (استدلال تجربی/استدلال عقلی) ۱۰۶- (حیوان

ناطق) ۱۰۷- (ذاتی/عقل) ۱۰۸- (رنسانس/توانایی های عقل) ۱۰۹- (رنسانس/عقل) ۱۱۰- (شیطانی) ۱۱۱- (ایمان قوی) ۱۱۲- (عقل/تبیین عقلانی

) ۱۱۳- (کلیسای کاتولیک) ۱۱۴- (رنسانس) ۱۱۵- (روش تجربی) ۱۱۶- (تجربه) ۱۱۷- (عقل) ۱۱۸- (استدلال) ۱۱۹- (منطقی/استدلال) ۱۲۰-

(کاملآذهنی) ۱۲۱- (اگوست کنت) ۱۲۲- (علم) ۱۲۳- (علم تجربی) ۱۲۴- (اگوست کنت) ۱۲۵- (شهود) ۱۲۶- (لوگوس)

۱۲۷- هریک از گزینه ها عقیده کدام شخصیت درباره عقل می باشد: (بااندکی تغییر نهایی دی ماه ۹۸)

الف) عقل را صرفا یک دستگاه استدلال به حساب می آورد. ۱- ارسطو

ب) عقل، ذاتی انسان است وهمان نطق می باشد. ۲- هراکلیتوس

ج) عقل عامل تضعیف ایمان می باشد. ۳- هیوم

د) همان حقیقت و وجود برتری است که جهان وا شیا ظهوراوهستند ۴- دکارت

۵- بزرگان کلیسا از قرن ۳ تا ۹ م

@ جواب: الف) ۴ (ب) ۱ (ج) ۵ (د) ۲

۱۲۸- هر یک از گزینه های سمت راست با یکی از گزینه های سمت چپ مناسبت دارد. آنها را در کنار هم بنویسید (یک

مورد در سمت چپ اضافی است)

الف) فیلسوفان ۱- حدود توانایی های عقل

ب) عقل ۲- بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر از نظر بیکن

ج) ظهور و پرتو عقل در نظر هراکلیتوس ۳- سخن و کلمه

د) عقل در دوره جدید اروپا ۴- وجه متمایز انسان از حیوان

ه) روش تجربی ۵- مهم ترین مدافعان عقل

ی) لوگوس ۶- عشق

۷- عقل ونطق

@ جواب: الف) ۵ (ب) ۴ (ج) ۳ (د) ۱ (ه) ۲ (ی) ۷

@-گزینه درست را انتخاب نمایید:

۱۲۹- اولین فیلسوفی که عقل را به "نظری و عملی" تقسیم کرد که بود؟ (نهایی خردادماه ۹۹)

(۱) ارسطو (۲) افلاطون

۱۳۰- فیلسوفان از طریق (۱: شهود ۲: دلیل و برهان) وجود "عالم عقول" را اثبات می کنند. (نهایی شهریورماه ۱۴۰۰)

۱۳۱- علم موجودات عالم عقول یا همان فرشتگان، به حقایق اشیاء از طریق (۱: شهود ۲: استدلال عقلی) است. (نهایی دی ماه ۱۴۰۰)

@جوابها: ۱-۱۲۹ ۲-۱۳۰ ۱-۱۳۱

@گزینه صحیح را انتخاب کنید:

۱۳۲- کدام گزینه نادرست است؟

(۱) مفهوم "فلسفه" با "عقل" و "عقلانیت" گره خورده است.

(۲) افلاطون، انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می دانست.

(۳) موجودات مجرد از ماده در افعال خود به ابزار مادی نیاز دارند.

(۴) حکیمان ایران باستان عقیده داشتند که خدا بر اساس خرد می آفریند

۱۳۳- در کدام عبارت مفهوم عقل با نظرِ هراکلیتوس سازگاری و مطابقت دارد؟

(۱) همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن.

(۲) معتقد به عقلی بود که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می نامید.

(۳) معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود.

(۴) همان قوه استدلال انسان است که بر اساس کاری که انجام می دهد به نظری و عملی تقسیم می شود.

۱۳۴- مفهوم عقل در دوره جدید اروپا.....

(۱) تطوراتی را پشت سر گذاشته که منحصرًا مربوط به حدود توانایی های قوه فاهمه انسان است.

(۲) قوه عقل، یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

(۳) در ابتدای رنسانس عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و محلّ چالش بین فلسفه و کلام شد.

(۴) عقیده داشتند که عقل، مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است.

۱۳۵- کدام عبارت در مورد کارکرد عقل از نظر اگوست کنت، نادرست است؟

- ۱) از نظر اگوست گنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.
- ۲) عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت و علم دست می یابد.
- ۳) فیلسوفان، دستگامی فلسفی که از جهان ارائه می دهند حقیقتاً بر خاسته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.
- ۴) اوگوست گنت، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ابژکتیو خواند.

@ جواب تست ها: ۱۳۲- گزینه ۳ ۱۳۳- گزینه ۱ ۱۳۴- گزینه ۲ ۱۳۵- گزینه ۴

@ به سؤالات ذیل جواب کوتاه دهید:

۱۳۶- دو کارکرد عقل در فلسفه را فقط نام ببرید؟

عقل در فلسفه دو کاربرد مهم دارد:

۱- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال

۲- عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده

۱۳۷- به سؤالات ذیل در مورد عقل پاسخ دهید:

الف- از فیلسوفان با چه عنوانی یاد می شود؟

مهم ترین مدافعان عقل

ب- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان چه می دانند؟

عقل

ج- منظور ارسطو از "ناطق" در تعریف انسان به حیوان ناطق چیست؟

عاقل

د- ارتباط تاریخ فلسفه با تاریخ عقل چگونه است؟

پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات معنا و محدوده عقل، با تحولات فلسفه گره خورده است.

ذ- کاربرد رایج مفهوم عقل بین مردم تعریف کنید؟

عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.

۱۳۸- هریک از مفاهیم دین، عرفان و فلسفه به ترتیب با چه موضوعاتی گره خورده است؟

ایمان - شهود و عشق - عقل و عقلانیت

۱۳۹- دومورد از سوالات مطروحه در فلسفه پیرامون عقل را بنویسید؟

الف- مقصود فیلسوفان از عقل چیست؟ ب- محدوده و قلمرو آن چه اندازه است و این قلمرو چه تحولاتی را در طول تاریخ طی کرده است؟ ج- امروزه عقل چه جایگاهی در فلسفه دارد؟

۱۴۰- طبق نظر بسیاری از فلاسفه، عوالمی وجود دارند، دونهونه را فقط نام ببرید.

الف- عالم طبیعت (۲) عالم عقل

۱۴۱- آیا می توان عالم عقل را با حواس درک و فهم کرد؟ چرا؟

خیر، چون حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد.

۱۴۲- مقصود هراکلیتوس از لوگوس چیست؟ و چه چه چیزی نزد او، پرتو لوگوس محسوب می شوند؟

عقل و منطق، کلمه و سخن

۱۴۳- در میان فیلسوفان یونان باستان ، هراکلیتوس از چه حقیقتی سخن می گوید و معنای آن چیست؟

از حقیقتی به نام لوگوس سخن می گوید که به معنای عقل و منطق است.

۱۴۴- کارکردهای عقل از نظر هراکلیتوس را بنویسید؟

به هر دو کارکرد عقل توجه داشت:

۱- حقیقت و وجود برتری است که جهان و اشیاء پدید آورده استند ۲- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال

۱۴۵- با توجه به عقیده ارسطو به سوالات ذیل پاسخ دهید؟

الف- قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به چند قسم تقسیم می شود؟ نام ببرید.

نظری و عملی

ب- اقسام علم را نام ببرید؟

نظری و عملی

ج- ارسطو انواع استدلال را در کدام بخش از آثار خود تدوین کرده است؟

در بخش منطق

د- مقصود ارسطو از نطق در تعریف انسان " حیوانی است ناطق " چه بود؟

همان تفکر بود.

ر- ارسطو چگونه تصویر روشنی از عقل ارائه می کند؟

عقل را ذاتی انسان می دانست و تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد.

و- ارسطو کدام نوع استدلال هارا در بخش منطق آثار خود از هم جدا ساخت؟

استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.

۱۴۶- ویژگی اصلی عقل در دوره اول حاکمیت مسیحیت چه بود؟

در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می

دانستند.

۱۴۷- مشخصه اصلی دوره دوم حاکمیت کلیسا، در قرون ۱۱ تا ۱۳ چه بود؟

روی آوردن به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی

۱۴۸- فرانسیس بیکن، کدام روش را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست؟

روش تجربی

۱۴۹- دکارت به کدام یک از توانایی های عقل توجه داشت؟

به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.

۱۵۰- اختلاف میان فلاسفه در ابتدای توجه به عقل در اروپا، فیلسوفان اروپایی رابه دودسته تقسیم کرد؟ آنها را نام ببرید.

عقل گرا و تجربه گرا

۱۵۱- به طور کلی در قرن ۱۹ اوگوست کنت عقل فلسفی و کارکرد عقل در تأسیس فلسفه را چه چیز خواند؟

کاملاً ذهنی خواند.

۱۵۲- از نظر اوگوست کنت، از طریق چه ابزاری و چگونه می توان به شناخت واقعیت نائل شد؟

عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد.

۱۵۳- گسترش دیدگاه اوگوست کنت در مورد عقل، در چه مسائلی آثاری برجای گذاشت؟

نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان

۱۵۴- تحولاتی که عقل از رنسانس تا کنون پشت سر گذاشته، بیشتر مربوط به کدام حیطة و قلمرو عقل است؟

حدود توانایی های عقل

۱۵۵- دو کاربرد عقل را در فلسفه بنویسید؟ (نهایی شهریور ودی ماه ۹۹)

۱. عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال ۲. عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده

۱۵۶- ارسطو بر اساس تقسیم عقل، علم و دانش رابه دودسته تقسیم می کند. آنها را نام ببرید. (نهایی شهریور ماه ۹۹)

علم عملی - علم نظری

۱۵۷- حدود قرن سوم تا نهم میلادی کدام گروه عقل را امری شیطانی می دانستند؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

بزرگان کلیسا

۱۵۸- ارسطو عقل را بر چه اساسی به نظری و عملی تقسیم نموده است؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

بر اساس کاری که انجام می دهد.

۱۵۹- ارسطو بر چه مبنایی، عقل را به نظری و عملی تقسیم می کند؟ (نهایی خرداد ماه ۱۴۰۰)

بر اساس کاری که عقل انجام می دهد.

۱۶۰- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، حکمای مسیحی تحت تاثیر کدام عامل، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی

آوردند؟ (نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰)

تحت تاثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان

۱۶۱- عقل دارای چه محدوده و قلمروی است؟ توضیح دهید. (ذکر دومورد کافی است) یا کارکردهای عقل را بنویسید؟

- ۱- عقل توانمندی ایاست که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.
- ۲- انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست.
- ۳- عقل نیز می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد.
- ۴- انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست، و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است.
- ۵- کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند.

۱۶۲- تعبیر فیلسوفان از نوع دیگر عقل به غیر از عقل انسان چیست؟ و منظور از این نوع عقل چیست؟ و شامل چه

موجوداتی می شود؟

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتابهای آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسمند که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند. آنان معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "شهود" می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۱۶۳- از نظر فیلسوفان الهی، علم عقول (موجودات مجرد یا فرشتگان) چگونه بدست می آید؟

آنان معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "شهود" می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۱۶۴- روح انسان در نظر فیلسوفان الهی، چگونه می تواند همانند عقول بسیاری از حقایق را مشاهده نماید؟

فیلسوفان الهی معتقدند که روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از عقل را دارد؛ یعنی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است، همچون عقول، بسیاری از حقایق را شهود کند.

۱۶۵- جایگاه عقل در دوره جدید اروپا و ابتدای رنسانس را با دوره اول و دوم حاکمیت مقایسه کنید؟

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسای روم می خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد؛ در حالی که قبل از آن، به خصوص در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسای خدایت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان میدانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسای روم را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلالهای عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند. در دوره دوم حاکمیت کلیسای روم، به خصوص در قرن های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتابهای ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۶۶- حکیمان ایران باستان، چگونه ارتباط خرد و آفریدگار را تبیین می کنند؟ بنویسید.

در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار متحدویگانه است و آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند. آنان عقیده داشتند که خدا بر اساس خرد می آفریند و می گفتند که مزدا که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدانها و خردهارا آفریده است. به نظر می رسد که این خرد و عقل که آفریده آفریننده است، وجودی عقلانی است که خرد و عقل انسان پرتو و مظهر اوست.

۱۶۷- عقل و اشیاء عالم، به ترتیب نزد هراکلیتوس چه چیزی هستند؟

همان حقیقتی است که جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن. بنابراین، از نظر هراکلیتوس اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.

۱۶۸- چرا ارسطو به عقل توجه ویژه ای داشت و بر چه اساسی آن را به دوبخش نظری و عملی تقسیم کرده است؟

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای داشت و توضیح می داد که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود.

۱۶۹- عقل در دوره جدید اروپا و ابتدای رنسانس چه جایگاهی در فلسفه پیدا کرد؟

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

۱۷۰- در دوره اول حاکمیت کلیسا، در مورد عقل چه دیدگاهی حاکم بود؟

در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

۱۷۱- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، اندیشه های فیلسوفان مسیحی تحت تاثیر اندیشه های کدام فیلسوفان واقع گردید و چه نتایجی به همراه داشت؟

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرنهای یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تاثیر مطالعه کتابهای ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۷۲- ویژگی اصلی دوره دوم حاکمیت کلیسا در مورد تقابل عقل و دین چه بود؟

در این دوره فیلسوفان مسیحی به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۷۳- نظر دکارت در مورد توانایی های عقل را بنویسید؟

دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. البته او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست.

۱۷۴-فرانسیس بیکن کدام روش را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست؟ توضیح دهید.

روش تجربی، از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ماساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

۱۷۵-از نظر فیلسوفان علم موجودات عقلانی چگونه است؟

آنان معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را "شهود" می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۱۷۶-اوگوست کنت در قرن نوزدهم، درباره عقل از چه کسی تاثیر پذیرفت؟ و به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه راجه نماید؟ نحوه تبیین او را توضیح دهید.

اوگوست کنت در قرن نوزدهم با تأثیرپذیری از دیدگاه کانت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند. او گفت که فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه می دهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست بلکه بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.

۱۷۷-از نظر اوگوست کنت، عقل از چه روشی می تواند به علم برسد؟ توضیح دهید.

از نظر او، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد. بنابراین، از نظر کنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۱۷۸-اثرات دیدگاه اوگوست در مورد عقل در میان فیلسوفان اروپایی و مسائل مختلف را بنویسید.

این دیدگاه به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراءالطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت.

۱۷۹-از نظر فیلسوفان، توانمندی عقل در کودکان به چه صورت است و چگونه به فعلیت می رسد؟ و چرا برخی از انسان ها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت عقلی کمتری دارند؟

از نظر فیلسوفان، این توانمندی در کودک به صورت استعداد است؛ با تربیت و تمرین به فعلیت می رسد و تقویت می شود و به همین سبب، در افراد مختلف، متفاوت است. برخی از انسان ها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت عقلی کمتری دارند.

۱۸۰-مصادق وجودی عقل رابه اختصار توضیح دهید؟

بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم، دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد. یکی از این عوالم عالم عقل است فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتابهای آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم اند که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند.

۱۸۱-کدام فیلسوف یونان باستان از حقیقتی به نام "لوگوس" سخن گفته؟ معنای آن را در نزد وی شرح دهید. (نهایی خرداد ماه ۹۹)

هراکلیتوس، لوگوس در نزد او به معنای عقل است و هم نطق، کلمه و سخن در نزد او ظهور و پرتو عقل است. عقل همان حقیقتی است که جهان و اشیاء ظهور او هستند و هم کلمات و سخن و به نظر او اشیاء عالم همان کلمات عقل و بیان و حکمت او هستند.

۱۸۲- به چه دلیل در دوره دوم حاکمیت کلیسا در اروپا، حکمای مسیحی به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند و نتیجه چه بود؟ (نهایی خردادماه ۹۹)

فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان که به زبان های اروپایی ترجمه شده بود، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند، اما از آنجا که توجه به عقل و عقلانیت با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، به تدریج به گسترش عقل گرایی و عقب نشینی تفکر دینی مسیحیت شد، تا اینکه در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین رادر گوشه ای از زندگی انسان های اروپایی به حاشیه راند.

۱۸۳- در دوره اول حاکمیت کلیسا در اروپا، عقل چه جایگاهی داشت؟ توضیح دهید. (نهایی شهریورماه ۹۹)

در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

۱۸۴- عقل نظری را از نظر ارسطو تعریف کنید. (نهایی دی ماه ۹۹)

عقل، از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت آب، عقل نظری نامیده می شود

۱۸۵- توجه فلاسفه مسیحی در دوره حاکمیت کلیسا به تبیین مسائل دینی با روش عقلانی، چه نتیجه مهمی به دنبال داشت؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، به تدریج به گسترش عقل گرایی و عقب نشینی تفکر دینی مسیحیت شد، تا اینکه در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین رادر گوشه ای از زندگی انسان های اروپایی به حاشیه راند.

۱۸۶- دکارت "عقل" را به کدام معنا به کار می برد و حدود و توانایی و جایگاه عقل نزد او چه میزان است؟ (نهایی خرداد ماه ۱۴۰۰)

دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال به حساب می آورد نه عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان وانسان. به همه تواناییهای عقل، مانند بدیهیات عقلی، مانند استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را اثبات کند.

۱۸۷- "عقل نظری" و "عقل عملی" را از نظر ارسطو با ذکر مثالی تعریف کنید. (نهایی شهریور و دی ماه ۱۴۰۰)

عقل، از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، مانند بحث درباره خدا و درجه حرارت آب، عقل نظری نامیده می شود و عقل، از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، نباید دروغ بگوید بحث می کند، عقل عملی نام دارد.

۱۸۸- از نظر اگوست کنت، اعتبار عقل فلسفی و جایگاه آن در تاسیس فلسفه چیست؟ (نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰)

اگوست کنت، عقل فلسفی و کار عقل در تاسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند و گفت که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی، ناظر بر واقعیت نبوده بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تاملات ذهنی است.

۱۸۹- نظر دکارت در مورد عقل و جایگاه آن را توضیح دهید. (نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰)

دکارت به همه تواناییهای عقل، مانند بدیهیات عقلی، مانند استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را اثبات کند. او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت (عالم) برتر و متعالی در جهان (وانسان) قائل نبود. او عقل را صرفاً یک دستگاه تفکر و استدلال به حساب می آورد.

@ جواب فعالیت ها و تمرینات درس ۷

□ به کار بندیم ص ۵۸

عقل را ذاتی انسان می دانست و آن را در شناخت حقایق نظری و عمل توانمند می دانست.	۱- ارسطو
به محدودیت عقل قایل بودند و آن را ابزاری شیطانی و خلاف ایمان می دانستند.	۲- بزرگان اولیه کلیسا
عقل در خدمت حس و تجربه است.	۳- بیکن
عقل می تواند خدا و نفس انسان و اختیار او را درک و استدلالی کند.	۴- دکارت
عقل فقط زمانی که با روش تجربی و حسی وارد عمل شود، به واقعیت دست می یابد.	۵- اوگوست کنت

ملاحظه راهنمای معلم:

۱- ارسطو: انسان حیوان ناطق است، یعنی حیوانی است که تعقل و تفکر می کند. او دارای عقل نظری و عملی است. با عقل نظری هم جهان طبیعت و هم ماوراء طبیعت را می شناسد و با عقل عملی کارهای مربوط به زندگی را تنظیم می کند.

۲- بزرگان اولیه کلیسا: عقل توانایی ورود به حوزه دین را ندارد. مفاهیم اصلی دین برتر از فهم عقل است. دین، ایمان می خواهد، نه معرفت عقلانی.

۳- بیکن: ما باید به دنبال عقل تجربی برویم تا پیشرفت کنیم. عقل محض و قیاسی کارساز نیست.

۴- دکارت: عقل هم به صورت مستقل از تجربه می تواند به حقیقت برسد و هم از طریق تجربه.

۵- اوگوست کنت: فیلسوفان به دنبال عقلی رفته اند که ناظر بر واقعیت نیست. عقل، صرفاً آن گاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل شود، به نتیجه می رسد. واقعیت، فقط همین امورمادی است که از طریق حس و تجربه به ما می رسد.

حال و آینده از آن کسانی است که می اندیشند و اندیشه خود را عملی می سازند.

تهیه و تنظیم سید احمد صمدانی از استان آذربایجان شرقی